

مقاله پژوهشی:

مسئولیت مدنی تبعی دولت ناشی از ویروس کرونا در فقه امامیه، نظام حقوقی ایران و انگلیس

مجید عزیززایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

چکیده

مسئولیت مدنی دولت ناشی از ویروس کرونا برای افراد جامعه در دفاع از حقوق آنان در مقابل دولت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بحران‌های جامعه بشری است که قربانیان زیادی را در پی داشته و بسیاری اشخاص از تبعات آن دچار آسیب جسمی، روحی و مالی و اقتصادی شده‌اند. سیاست‌های بهداشتی، درمانی و پیشگیرانه دولت‌ها در قبال ویروس کرونا تأثیرات زیادی در کنترل و کاهش آسیب‌های آن دارد. در صورت عدم وجود راهبرد دفاعی مناسب دولت‌ها در این خصوص، مدیریت ویروس مذکور با دشواری مواجه خواهد بود و در نتیجه می‌تواند منتهی به کاهش امنیت جانی و روحی در جامعه شود. در این مقاله سعی شده است مبانی مسئولیت دولت و اشخاص در قبال ویروس کرونا مورد بحث و بررسی قرار گیرد و مسئولیت اشخاص در قبال بی‌توجهی به شیوه‌نامه‌های بهداشتی مرور شود. ضرورت انجام تحقیق این است که جامعه به‌دلیل نتایج زیانبار ویروس کرونا، نیازمند جبران ضررهای روحی و مادی توسط دولت در صورت عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و درمانی مناسب و توسط اشخاص خصوصی در صورت عدم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و انتقال ویروس به دیگران است. روش تحقیق مبتنی بر مطالعه منابع حقوقی داخلی و خارجی توأم با تحلیل رویه قضایی به شیوه کتابخانه‌ای و با ماهیت تحلیلی-توصیفی، جهت تبیین مبانی مسئولیت دولت و اشخاص خصوصی در قبال ویروس کروناست.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، خسارت، کرونا، دولت، زیان تبعی

۱. دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری، تهران؛ رایانامه:

majidazizyani@gmail.com

مقدمه

در حقوق ایران، ارکان مسئولیت مدنی از فقه امامیه مقتبس شده است؛ ولی در قوانینی چون قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، نظریاتی که متأثر از حقوق کشورهای غربی هستند، وارد قانون ایران شده‌اند؛ از همین رو قواعد مسئولیت مدنی نظام حقوقی ایران، ترکیبی از حقوق اسلام و حقوق خارجی است. مسئولیت مدنی دولت در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ پذیرفته شده است. کیفیت مدیریت و نحوه مدیریت راهبردی دفاعی مسئولیت مدنی دولت در قبال ویروس کرونا در حقوق ایران به خوبی روشن نمی‌باشد. کوید-۱۹ در مقایسه با سایر ویروس‌ها، مانند سارس، سندرم تنفسی خاورمیانه یا ابولا که قبلاً به شکل غیرقابل پیش‌بینی گسترش یافته و کل جهان را تحت تأثیر قرار داده‌اند، بسیار سربرتر است. جهان اخیراً چنین رویداد مخربی را تجربه نکرده است و به نظر می‌رسد که هیچ‌کس نمی‌توانست مدت زمان وجود آن یا تأثیرات آن را در هر سطح از تجارت، اقتصاد، سلامت و سایر زمینه‌ها پیش‌بینی کند. این وضعیت باعث می‌شود که روند اختلاف در حوزه دیوان‌های داوری به‌عنوان مرجعی جهت حل و فصل غیر قابل پیش‌بینی باشد. کووید ۱۹ سابقه شیوع در جهان را ندارد؛ لکن بیماری‌های واگیردار متعددی در طول قرون مختلف در جهان و ایران شیوع یافته‌اند که به دلیل وجه اشتراک بیماری‌ها در وصف واگیردار بودن آن، به‌عنوان موارد مشابه کووید ۱۹ مورد بررسی قرار می‌گیرند. در سال‌هایی که بیماری‌هایی همچون وبا و طاعون در ایران شیوع یافته بود، به گواهی تاریخ در بسیاری از مواقع نهاد حاکم بر ایران حتی از تعداد مبتلایان و جان‌باختگان به‌طور دقیق خبردار نبود و هیچ‌گونه وظیفه‌ای در قبال پیشگیری از بیماری، یا درمان آن نداشتند. یا حتی بعد از گذر از بیماری و در مقام تسکین آلام مبتلایان، برای نهاد حاکم مسئولیتی تصور نمی‌کردند. در حوادث سالیان دور، زیان‌های وارده به اشخاص، جبرانی در پی نداشت و برای برگشتن وضعیت افراد به حال قبلی خود سالیان سال باید زمان سپری می‌شد. اما امروزه اوضاع بسیار با آنچه که در گذشته وجود داشته، متفاوت است؛ دو عامل اصلی، در به‌وجود آوردن شرایط متفاوت نسبت به شرایط سابق دخیل هستند؛ نخست تغییر رابطه میان حاکمیت و مردم که دیگر شکل ارباب و رعیتی سابق را ندارد و دولت به‌عنوان نماینده مردم عهده‌دار اداره امور جامعه است و دوم اینکه رشد چشمگیر مبانی علمی و توسعه حجم ارتباط میان کشورهای مختلف از طریق فضای مجازی، اینترنت و ماهواره سبب‌ساز ایجاد تغییر در روابط حاکمیت و مردم شده است؛ در شرایط

کنونی جهان، دولت‌ها برای مدتی موقت عهده‌دار اداره امور می‌شوند و از سویی دیگر، قلمرو منافع‌های حاکمیت و مردم به‌حدی در هم تنیده شده است که جداسازی آنها و اختصاص هر نفع به یکی از طرفین، امری دشوار است. به‌علاوه، نقش بی‌بدیل رسانه‌های گروهی و فضای مجازی در تغییر روابط میان مردم و حاکمیت را نباید نادیده گرفت؛ زیرا به کمک این ابزارها، امکان مقایسه میان دولت‌های مختلف و اقدامات هر یک از آنها در مواجهه با کووید ۱۹ فراهم شده است. در تحقیق حاضر در سه قسمت تحت عنوان مسئولیت مدنی دولت، زیان تبعی در فقه و حقوق ایران و انگلیس و بررسی فقهی معاذیر اجرای قرارداد و تطبیق با کرونا پرداخته شده است.

۱- مسئولیت مدنی دولت

برای قطع زنجیره شیوع ویروس و برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، یک سری اقدامات از سوی دولت‌ها از جمله بستن مرزها، اعمال ممنوعیت صادرات و بستن محل کار انجام شده است؛ تأثیر این اقدامات بر مشاغل، به‌ویژه تجارت بین‌المللی، به‌عنوان یکی دیگر از مشکلات مرتبط با بیماری همه‌گیر بروز کرده که باید برطرف شود؛ زیرا این اقدامات به‌شدت بر قراردادهای تجاری بین‌المللی تأثیر گذاشته و تعهدات قراردادی طرفین را مختل کرده است (نیازآبادی و انصاری، ۱۳۹۹: ۲۱).

۱-۱ قصور دولت‌ها: مواردی که می‌تواند به‌عنوان کوتاهی دولت در قبال شیوع ویروس کرونا مطرح شود به شرح ذیل است:

۱) بستن خطوط هوایی ایران و چین پس از اطلاع شیوع کووید ۱۹ و ادامه دادن مرادوات هوایی.

۲) تاخیر در اعلام ورود کووید ۱۹ به کشور: مطابق اظهاراتی که مقامات بهداشتی و بعضاً لشگری کشور با رسانه‌ها داشت‌ه‌اند، دولت مدت‌ها قبل از اعلام شیوع کرونا در کشور، از وجود آن خبر دار بوده است.

با توجه به تقصیرهای دولت و به استناد مبانی حقوق عمومی که دولت را مسئول اقدام موثر و سریع می‌کند، حکم به مسئولیت مدنی دولت خلاف عقل و قانون به‌نظر نمی‌رسد (مظفری، ۱۳۹۹: ۳۹۲).

۱-۲ مسئولیت تبعی دولت

منظور از مسئولیت تبعی دولت، این است که دولت به‌عنوان قائم مقام شخص زیان‌رسان، جبران زیان‌های وارده به اشخاص متضرر بنماید که در نگاه نخست در تعارض با اصل شخصی بودن است؛ همین‌که دولت به‌جای شخصی که عامل اصلی است، مبادرت به جبران زیان می‌کند، تکلیفی ناعادلانه به‌نظر می‌رسد (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۶). اما با تبیین دقیق ابعاد مسئولیت تبعی و بررسی مبانی آن متوجه خواهیم شد که بین این دو موضوع تعارضی یافت نمی‌شود. دولت‌ها به‌طور سنتی به‌عنوان نهاد حاکم بر جامعه شناخته می‌شوند و از وظایف نهاد حاکمیتی دولت، برقراری عدالت اجتماعی در تمامی ابعاد آن است. برقراری عدالت این اقتضا را دارد که دولت نسبت به آموزش صحیح افراد جامعه و تربیت شخصیت آنها، احساس مسئولیت کند و چنانچه در این زمینه قصوری از وی سر زده باشد، مورد سرزنش قرار بگیرد. به این ترتیب، می‌توان فعالیت‌های زیانبار اشخاص را ناشی از کوتاهی و تقصیر دولت در آموزش و انجام تکالیف خود دانست و مسئولیت جبران زیان‌های بار آمده را بر دولت تحمیل کرد؛ نهادی که ما آن را مسئولیت تبعی می‌نامیم. به‌طور مثال، دولت با استفاده از نهاد بیمه مسئولیت مدنی به‌شکلی اجباری، جبران غرامات را به‌آسانی میسر می‌کند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). در حقیقت منظور از مسئولیت تبعی دولت، یافتن راه‌هایی برای تسهیل جبران خسارات است و استفاده از هر نهادی که در تحقق هدف فوق یاری رسان باشد، مطلوب پژوهش حاضر است. ویژگی‌های منحصر به‌فرد حکومت، یعنی در اختیار داشتن قدرت و اقتدار و وظیفه اداره جامعه که تحت عنوان اعمال حاکمیت بر عهده دولت است، به‌تدریج اذهان را به‌سمتی سوق داد که دولت‌ها غیرقابل مواخذه هستند و مسئولیتی ناشی از ورود زیان به اشخاص جامعه، برای حاکمیت قابل تصور نیست و حاکمیت مصون از جبران زیان‌های به‌وجود آمده بود. این نظریه سنتی به‌تدریج کنار گذاشته شد و امروزه دامنه جبران خسارات توسط دولت گسترش یافته و به‌شکلی در آمده است در بسیاری از مواقع و با وجود شرایطی خاص، وظایفی برای دولت در نظر گرفته می‌شود که تصور آن برای سایر اشخاص تکلیفی ما لا یطاق است؛ ولی بنا بر دلایلی، چنین وظیفه‌ای بر دوش دولت نهاد می‌شود؛ کلیدی‌ترین نکته‌ای که وجود مفهومی تحت عنوان مسئولیت تبعی را توجیه می‌کند، لزوم یاری‌رسانی به اشخاصی است که در اثر حادثه‌ای (طبیعی یا غیرطبیعی) متضرر شده‌اند و شخص زیان دیده از مطالبه کامل خسارات به‌وجود آمده محروم باشد. در مبانی فقهی تشیع، قواعد زیادی وجود دارند که استفاده از آنها، در توجیه نظریه مسئولیت تبعی دولت راهگشا خواهد بود؛ از جمله

این قواعد می‌توان به قاعده احترام مال و جان مسلمان، قاعده لزوم تدارک ضرر، رفع عسر و حرج و نیز قاعده مند بودن بیت‌المال مسلمین برای کمک به جامعه اسلامی اشاره کرد. این نظریه خالی از قوت نیست؛ زیرا در قانون مدنی و مسئولیت مدنی احکام مشابهی وجود دارد که چنین فلسفه‌ای در حکم، قابل مشاهده است. مثلاً در ماده ۳۳۴ ق.م. که مسئولیت جبران خسارات بار آمده توسط حیوان بر عهده مالک آن قرار داده می‌شود یا در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که مسئولیت جبران زیان‌های ناشی از رفتارهای طفل صغیر و تحت کفالت، بر عهده ولی و قیم گذارده می‌شود، همگی حاکی از اهمیت انجام وظایف محوله توسط شخص مکلف دارد و به نظر می‌رسد بتوان از وحدت ملاک میان این موضوعات مشابه استفاده و حکم مشابه را در خصوص مسئولیت تبعی دولت جاری ساخت.

۳-۱. نوع ارتباط مردم و دولت

به گذر زمان نوع ارتباط دولت‌ها با مردم تغییر کرده است. رابطه میان مردم و حاکمیت، باید مانند رابطه میان مردم و کارگزار آنها باشد. در این قسمت نخست می‌خواهیم بدانیم چرا باید تمام زیان‌های اشخاص جبران شود و سپس چرا باید دولت وظیفه جبران خسارات را بر عهده بگیرد؟ با بررسی‌های تاریخی، کووید ۱۹ سابقه شیوع در جهان را ندارد، لکن بیماری‌های واگیردار متعددی در طول قرون مختلف در جهان و ایران شیوع یافته‌اند که به دلیل وجه اشتراک بیماری‌ها در وصف واگیردار بودن آن، به‌عنوان موارد مشابه کووید ۱۹ مورد بررسی قرار می‌گیرند. در سال‌هایی که بیماری‌هایی همچون وبا و طاعون در ایران شیوع یافته بود، به گواهی تاریخ در بسیاری از مواقع نهاد حاکم بر ایران حتی از تعداد مبتلایان و جان‌باختگان به‌طور دقیق خبردار نبوده و هیچگونه وظیفه‌ای در قبال پیشگیری از بیماری، یا درمان آن نداشتند و یا حتی بعد از گذر از بیماری و در مقام تسکین آلام مبتلایان برای نهاد حاکم مسئولیتی تصور نمی‌کردند. بسیاری موارد در تاریخ سده‌های اخیر ایران قابل اشاره است که زیان‌های وارده به اشخاص، جبرانی در پی نداشت و برای برگشتن وضعیت افراد به حال قبلی خود سالیان سال باید زمان سپری می‌شد. اما امروزه اوضاع بسیار با آنچه که در گذشته وجود داشته، متفاوت است؛ دو عامل اصلی، در به‌وجود آوردن شرایط متفاوت با شرایط سابق دخیل هستند؛ نخست تغییر رابطه میان حاکمیت و مردم که دیگر شکل ارباب و رعیتی سابق را ندارد و دولت به‌عنوان نماینده مردم عهده دار اداره‌ی امور جامعه است و دوم اینکه رشد چشمگیر مبانی علمی و توسعه حجم ارتباط میان کشورهای مختلف

از طریق فضای مجازی، اینترنت و ماهواره سبب‌ساز ایجاد تغییر در روابط حاکمیت و مردم شده است؛ در شرایط کنونی جهان، دولت‌ها برای مدتی موقت عهده‌دار اداره امور می‌شوند و از سویی دیگر، قلمرو منفعت‌های حاکمیت و مردم به‌حدی در هم تنیده شده است که جداسازی آنها و اختصاص هر نفع به یکی از طرفین، امری دشوار است. به‌علاوه، نقش بی‌بدیل رسانه‌های گروهی و فضای مجازی در تغییر روابط میان مردم و حاکمیت را نباید نادیده گرفت؛ زیرا به‌لطف این ابزارها، امکان مقایسه میان دولت‌های مختلف و اقدامات هر یک از آنها در مواجهه با کووید ۱۹ فراهم شده است که به‌عنوان مثال، امروزه جامعه، اقدامات دولت در خصوص پیشگیری و درمان کووید ۱۹ را وظیفه دولت تلقی می‌کنند که این وظیفه برخواسته از حق بر سلامت افراد و لزوم رعایت آن از سوی تمامی اشخاص از جمله حاکمیت است. بنابراین در وضعیت حاضر، اصل مسئولیت‌پذیری دولت به معنای عام به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفته است و در خصوص میزان، کیفیت و آثار آن بحث وجود دارد.

۲- زیان تبعی در فقه و حقوق ایران و انگلیس

۲-۱ مفهوم زیان تبعی در کووید ۱۹

در حقوق مسئولیت مدنی چنانچه زبانی در نتیجه توسعه یک زیان دیگر ایجاد شود به آن «ضرر غیرمستقیم»^۱، «خسارت متعاقب»^۲ یا «ضرر کمانه‌کرده»^۳ می‌گویند (ژوردن ۱۳۹۴، ۱۸۲). این ضرر معلول ضرر قبلی خود است و ممکن است خود نیز علت پیدایش ضرر دیگری باشد. منظور از غیرمستقیم بودن ضرر، وجود فاصله زمانی و مکانی بین ضرر و فعل زیانبار نیست. نکته مهم این است که ضرر وارده نتیجه بعید فعل زیانبار باشد (هارپوود^۴، ۲۰۰۰: ۱۸۰). در ضرر غیرمستقیم بین ضرر و فعل منشاء ضرر رابطه‌ی علیت محسوس وجود ندارد. (لنگرودی ۱۳۷۲، ۴۱۶) اما در ضرر مستقیم رابطه‌ی سببیت عرفی بین فعل عامل زیان و خسارت وارده وجود دارد (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۲۷۸؛ صفایی و رحیمی ۱۳۹۷، ۹۱؛ کرینیر^۵، ۱۹۹۶: ۳۵۲). بنابراین ممکن است ضرری با

۱. Indirect Loss

۲. Subsequent damage

۳. Prejudice par ricochet

۴. Harpwood

۵. Carbonnier

وجود اینکه به عنوان ضرر غیرمستقیم شناخته می‌شود «ضرر نزدیک»^۱ به شمار آید و بر این مبنا قابلیت جبران داشته باشد (تویداله^۲، ۲۰۱۷).

هرچند این خسارات مستقیماً و بلاواسطه از فعل خواننده نشأت نمی‌گیرند، اما پیامد عملکرد او هستند و در حقوق انگلیس از آنها با عنوان «خسارت تبعی»^۳ و «خسارت ویژه»^۴ یاد می‌شود. با وجود اینکه در مسوولیت غیرقراردادی به دو شرط «مستقیم بودن» و «قابل پیش‌بینی بودن» زیان توجه می‌شود، اما گاهی اوقات اوضاع و احوال خاصی اثر این ضوابط را کم‌رنگ می‌کند. چه اینکه حقوق هدف مسوولیت مدنی از وضع این ضوابط رسیدن به عدالت واقعی است. به همین علت موجب شگفتی نخواهد بود اگر ضوابط فوق قربانی عدالت واقعی گردند (وینفیلد و جلیوکر^۵، ۱۹۹۴: ۱۵۸). بر این مبنا اگر شخصی بدون توجه به توصیه‌های بهداشتی و پروتکل‌های مربوطه به گسترش بیماری ناشی از شیوع ویروس کرونا کمک کند به سادگی نمی‌توان آثار و تبعات این بی‌توجهی را نادیده گرفت (السان، ۱۳۹۹: ۲۲۳). این بی‌احتیاطی یا بی‌توجهی می‌تواند موجبات ابتلاء افراد سالم را فراهم آورد و اگر منجر به مرگ سایرین نگردد، دست کم می‌تواند روزها آنان را به بستر بیماری کشانده و هزینه‌های گزاف درمانی را به ایشان تحمیل کند (سیمانا^۶، ۲۰۲۰). بدیهی است در این مدت افراد بیمار از کسب درآمد خود محروم خواهند ماند. از دست دادن مشتریان و عدم امکان مرادده کاری با آنها به خاطر ترس از ابتلای به بیماری نیز از دیگر تبعات این بیماری است. بنابراین کارمندی که با وجود اطلاع از بیماری خود در محل کار حاضر می‌شود یا شهروند مبتلایی که بدون ضرورت در خیابان قدم می‌زند و ناخواسته افراد سالم را آلوده می‌سازد، نباید به سادگی از تحمل عواقب سوء عملکرد خویش در امان بماند. البته در حقوق مسوولیت معمولاً حکم به جبران تمام خسارات تبعی داده نمی‌شود و اعتقاد بر این است که برخی از خسارات لازمه زندگی اجتماعی هستند. همچنانکه هر شهروندی مجبور به تحمل سر و صدای

۱. Proximate Loss

۲. Tweeddale

۳. Consequential Damages

۴. Special Damages

۵. Winfield and Joelwicz

۶. Simana

متعارف همسایه خود است (الیوت و کوئین^۱، ۲۰۰۹: ۱۰۹؛ تنک ۱۳۹۸: ۳۲). در وضعیتی که یک بیماری مهلک امنیت سراسر جهان را با مخاطره جدی مواجه ساخته و تمامی دولت‌ها مردم را از عواقب خطرناک عدم رعایت توصیه‌های بهداشتی آگاه کرده‌اند، نمی‌توان گفت که زیان‌های تبعی ناشی از انتشار این ویروس، لازمه زندگی اجتماعی بشر قرن بیست و یکم است (سیمانا، ۲۰۲۰). قرار گرفتن در مجاورت دیگران در ایام ابتلاء به بیماری، عدم دریافت واکسن و به‌طور کلی عدم توجه به پروتکل‌های بهداشتی چنانچه باعث انتقال ویروس به شخص دیگری گردد، ضرری مسلم است که تمام ارکان مسئولیت مدنی نیز در آن محقق است. از سوی دیگر دامنه این ضررها ممکن است به‌نحوی گسترش یابد که به‌سادگی نتوان از کنار آن گذر کرد. مانند آنکه بی‌توجهی و پنهان‌کاری کارگری که علم به مسری بودن بیماری خود دارد، موجب شود سایر کارگران یک کارخانه نیز بیمار شده و هزینه درمانی گزافی به آنها تحمیل شود. بعید نیست که کارخانه مورد نظر نیز برای چند روز از درآمد معمول و متعارف خود محروم بماند. گرچه زیان وارده به کارخانه به‌طور مستقیم ناشی از عملکرد کارگر نیست، لیکن به‌طور تبعی ناشی از بی‌توجهی یا پنهان‌کاری اوست و عرف از کنار چنین زیانی به سادگی گذر نمی‌کند.

۲-۲ امکان جبران زیان تبعی در فقه امامیه

با وجود اینکه در فقه امامیه به تقصیر فاعل زیان توجه می‌شود (شهید ثانی بی‌تا، ۱۵:۳۶۷)، اما مسوولیت مدنی و لزوم جبران ضرر اصولاً یا به جهت اتلاف مال غیر است یا به جهت تسبیب (امام خمینی ۱۳۹۰، ۲:۱۹۰). اصولاً در اتلاف، فعل مثبت وارد کننده زیان به‌طور مستقیم و بدون واسطه منجر به ایراد ضرر می‌شود و تقصیر فاعل چندان اهمیتی ندارد. در حالی که در تسبیب فعل یا ترک فعل عامل باعث ایراد خسارت می‌شود و علاوه بر اینکه اصولاً ضرر وارده با واسطه و غیرمستقیم است، نقش تقصیر نیز به مراتب بیشتر است. هرچند که گاهی گفته شده قاعده تسبیب را با احتیاط می‌توان مبنای ضمان قرار داد و آنچه موجب مسوولیت است، همان اتلاف مال غیر است؛ با این حال تسبیب نقش مهمی در ایجاد مسوولیت دارد و برخی از فقیهان بر این مبنا سرایت ناشی از فعل ممنوع را موجب مسوولیت دانسته‌اند (ابن ادریس حلی ۱۴۱۰، ۲:۴۹۴) در فقه امامیه اصولاً اتلاف را مربوط به تلف بدون واسطه می‌دانند، اما حقوقدانان معتقدند در مورد ناقلین بیماری، چنانچه فرد آلوده علم و آگاهی نسبت به وضعیت خود داشته باشد، باید تاثیر

واسطه‌های دیگر را ناچیز شمرد (محمدی جورکویه، ۱۳۹۹: ۲۱۲). چه اینکه انسان معقول و متعارف هیچگاه جانب احتیاط را ترک نمی‌کند و جان و مال دیگران را مانند جان و مال خود محترم می‌شمارد. این معیار در تسبیب هم در نظر گرفته می‌شود؛ لیکن در تسبیب، تحمیل آثار عمل زیانبار به مسبب ناآگاه دشوارتر است.

نکته مهم دیگری که ذکر آن خالی از فایده نیست، بحث منافع مورد انتظار است. فقهای امامیه با توسل به اصل برائت و اصل عدم، جبران کامل خسارات را نپذیرفته‌اند. بنابراین در نظر اول ممکن است گفته شود نمی‌توان حکم به جبران منافی داد که زیان‌دیده در مدت بیماری خود از آن محروم مانده است؛ زیرا ضرر فقط در جان، مال و آبرو امکان تحقق دارد در حالیکه در عدم‌النفع نه تنها مالی موجود نیست (محقق کرکی ۱۴۱۱: ۲۶۴) بلکه معادل مال دیگری نیز قرار نمی‌گیرد (نائینی ۱۴۱۸، ۳:۲۵۴) اما این تنها یک برداشت ظاهری و سطحی از اصول و قواعد فقهی است؛ چه اینکه ارزش مال نسبی است و ممکن است مردم به خاطر نیازی که به یک چیز دارند، ارزش مالی برای آن قائل باشند (موسوی بجنوردی ۱۴۱۹، ۲:۲۹) یا ممکن است امری فقط برای صاحب آن دارای ارزش باشد (خامنه‌ای ۱۳۹۵، ۲:۲۶) بنابراین، در این باره باید ملاک عقلاء (مشکینی بی- تا، ۴۵۶) و معیار عرف را در نظر گرفت (خوانساری، ۱۳۷۳ ۳:۲۷۸). بدون تردید ابتلای یک انسان بیکاره به بیماری مسری را نمی‌توان ضرر مسلم ناشی از تقویت منافع او به‌شمار آورد اما از مرگ همین شخص نمی‌توان به سادگی چشم‌پوشی کرد. همچنین اگر او عرفاً شخص کاسبی باشد که به‌طور معمول دارای درآمد روزانه است، محروم ماندن وی از درآمدش در ایام ابتلا به بیماری یک ضرر مسلم به‌شمار می‌آید (طباطبایی ۱۴۲۲، ۱:۳۶۳)؛ ضمن آنکه اصول و قواعد دیگری در فقه وجود دارند که عمل انتشار دهندگان بیماری‌های واگیر را باعث مسوولیت می‌دانند. قاعده فقهی لاضرر در حقوق اسلام مبنای مناسبی برای جلوگیری از ورود ضرر، دفع ضرر و جبران آن است (مظفری و میرزایی مقدم، ۱۳۹۹: ۴۰۶). هرچند که در مورد دلالت این قاعده اختلاف نظر وجود دارد، ولی برای اجرای عدالت و ایجاد تعادل بین روابط اجتماعی و اقتصادی می‌توان از این قاعده کمک گرفت (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۱۵۱). همچنین قاعده تحذیر یا هشدار در فقه بر این نکته اشاره دارد که چنانچه شخصی در حین انجام کار خود، سایرین را از خطرات احتمالی که موجب ورود خسارت مادی یا جانی به آنان می‌شود، آگاه نماید اما مخاطبین با وصف اطلاع از این هشدار خودشان را در معرض این خطرات قرار دهند، هشدار دهنده تحت شرایطی از مسوولیت حقوقی و

کیفری عمل خود مبرا خواهد بود (موسوی بجنوردی ۱۴۰۱، ۱:۱۶۴). مفهوم مخالف این قاعده این است که چنانچه شخصی بی توجه به وضعیت جسمانی خود و بدون اینکه دیگران را از بیماری خود مطلع گرداند موجبات تضییع آنان را فراهم آورد از نظر شرعی مسوول است. به موجب قاعده دیگری که در فقه به «قاعده ارشاد» معروف است شخص عالم باید شخص جاهل را نسبت به اموری که در آنها جهل دارد ارشاد نماید (حسینی مراغی ۱۴۱۷، ۲:۳۸۰) با اینکه در وجوب ارشاد شخص جاهل نسبت به احکام شرعی اتفاق نظر وجود ندارد، اما در لزوم آگاه کردن دیگران نسبت به احتمال ورود زیان به جان و ناموس شان تردیدی وجود ندارد (موسوی بجنوردی ۱۴۰۱، ۱:۱۶۴). البته موازین فقهی خصوصاً عمومات «قاعده دفع ضرر محتمل» اقتضا دارد که زیان‌دیده نیز هنگامی که از شیوع یک بیماری کشنده آگاه است، به‌طور متعارف با ورود زیان مقابله کرده و خطر ابتلا را از خود دفع کند (محمدی جورکویه، ۱۳۹۹: ۲۱۲)

با توجه به سوابق یاد شده هرچند ظرفیت فقهی برای جبران زیان‌های تبعی ناشی از شیوع ویروس کرونا به‌نحو احسن و اکمل نیست، اما مبانی موجود می‌تواند مکمل قواعد و اصول حقوقی شده و تردیدها را رفع کند.

۲-۳ جبران زیان تبعی در حقوق موضوعه ایران

در دکترین حقوقی ایران اصل بر جبران‌ناپذیری ضررهای غیرمستقیم است. مهم‌ترین مانع برای عدم جبران ضرر غیرمستقیم در حقوق ایران حکم ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی است.^۱ صراحت حکم مندرج در ماده یاد شده تا حدی است که گفته شده حتی در مورد ضررهای عمدی نیز باید مستقیم بودن را شرط دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۸) بنابراین در حقوق ایران مستقیم بودن یکی از ضوابط ضرر قابل جبران است. اکثر حقوقدانان به این نکته اشاره کرده و مستقیم بودن را به معنی وجود رابطه‌ی سببیت عرفی بین ضرر وارده و فعل زیانبار دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۶؛ صفایی و رحیمی ۱۳۹۷: ۹۱) بنابراین، علت عمده‌ی جبران‌ناپذیر بودن ضرر غیرمستقیم و تبعی در حقوق ایران، فقدان رابطه سببیت یا ضعیف بودن انتساب ضرر وارده به فعل زیانبار است (اللسان، ۱۳۹۹: ۲۲۲)

۱. «در خصوص مطالبه‌ی خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر اینصورت دادگاه مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.»

با این حال برای جبران برخی از ضررهای تبعی، راهکار قابل اعتنایی وجود دارد. مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی ایران «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین یک شخص بیمار حق ندارد به بهانه اینکه سرگرم انجام امور خویش است و از حق حیات معمول خود استفاده می‌کند، موجبات آسیب به دیگران را فراهم آورد. چه اینکه حق بهره‌مندی از زندگی اجتماعی اختصاص به همگان دارد و در تراحم این حق با دفع ضرر از دیگران اولویت با دفع ضرر است. بدون تردید حضور کارمند مبتلا به بیماری واگیردار در محل کارش ممنوع است. راننده تاکسی نمی‌تواند بی‌توجه به وضعیت خود در خیابان‌های شهر اقدام به جابجایی مسافر کند. شهروندانی که بدون توجه به توصیه‌های بهداشتی اقدام به سفرهای غیرضروری می‌کنند، مسوول تبعات زیانبار ناشی از بی‌پروایی خود هستند و نمی‌توان آنان را در قبال بی‌توجهی‌شان غیر مسوول دانست.

امروزه یکی از مهم‌ترین اهداف حقوق مسئولیت‌مدنی این است که حتی‌الامکان ضررهای بیشتری را جبران کند (بادینی، ۱۳۸۳: ۵۵؛ السان، ۱۳۹۹: ۲۲۱) و حقوق غالب کشورها تمایل به اجرای اصل جبران کامل خسارات دارد (بابایی، ۱۳۸۴: ۴۶)؛ همچنانکه این وضعیت در کشور فرانسه به وضوح مشاهده می‌گردد (ژوردن، ۱۳۹۴: ۲۰۷)؛ حقوقدانان ایران نیز که غالباً متأثر از حقوق کشور فرانسه هستند با پذیرش این اصل در صددند خود را با دیدگاه‌های نوین حقوقی در دنیا همگام کرده و راه را برای جبران خسارات بیشتری باز کنند (السان، ۱۳۹۹: ۲۲۳). از سوی دیگر برای جبران ضرر نقش عرف را نباید نادیده گرفت (مظفری و میرزایی مقدم، ۱۳۹۹: ۴۰۲). اهمیت عرف در تعیین مصادیق ضرر تا حدی است که برخی به صراحت گفته‌اند دادگاه در هنگام صدور حکم به جبران خسارت باید بیشتر به معیار عرفی توجه داشته باشد تا به معیارهای قانونی (عدل ۱۳۸۵: ۱۱۳؛ یزدانیان ۱۳۹۵: ۱۵؛ خادم و سلطانی نژاد ۱۳۹۲: ۲۶). این دیدگاه در حقوق ایران برای جبران زیان‌های تبعی قابل دفاع به نظر می‌رسد. چه اینکه از نظر حقوقدانان ایران رکن سببیت معیاری عرفی دارد و بلاواسطه بودن نیز به رکن سببیت نسبت داده شده است. بر همین مبنا برخی از مصادیق ضرر غیرمستقیم مانند ضرر معنوی، خسارات ناشی از دادرسی و صدمات وارده به بازماندگان متوفی و خسارت از خسارت در موارد خاص، (همانند هزینه دادرسی دعوی خسارت) قابل جبران شناخته شده‌اند. هرچند که دکترین حقوقی هرگاه ضرر بلاواسطه‌ای را قابل جبران دانسته، آن را به سببیت عرفی مرتبط کرده است. اما واقعیت این است که این استدلال

صحیح نیست و بهتر است گفته شود زیان‌های تبعی قسمی از زیان‌های غیرمستقیم هستند که به‌طور استثناء به جهت اینکه در سیر طبیعی و روال متعارف امور احتمال تحقق دارند، قابلیت جبران نیز دارند.

البته مفهوم سببیت در باب انتقال امراض مسری متفاوت با معنای سستی آن است؛ چه اینکه انتشار بیماری ممکن است تبعاتی بیش از موارد مرسوم داشته باشد. بنابراین اوضاع خاص حاکم بر قضیه تعیین خواهد کرد که گستره زیان‌ها محدود به چه اموری خواهد بود (السان، ۱۳۹۹: ۲۲۵). از سوی دیگر ماده یک قانون مسوولیت مدنی بیان داشته: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» بنابراین کسی که بصورت عمدی یا سهوی با انتشار بیماری خود موجبات ورود ضرر جانی و مالی دیگران را فراهم آورد از نظر مقررات ایران می‌تواند مسوول جبران وارده قرار گیرد. ماده ۶ همین قانون نیز اشعار می‌دارد: «در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به‌عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند...».

بنابراین به لحاظ قانونی چنانچه شخصی در اثر عمد یا بی‌احتیاطی و با جمع سایر شرایط مسوولیت مدنی موجبات ابتلاء دیگری را فراهم آورد به‌طوریکه شخص مبتلا در اثر این بیماری فوت کند یا نتواند چند روز درآمد روزانه خود را کسب کند، انتشار دهنده را باید مسوول دانست. قابل جبران نبودن اینگونه ضررها با منطق حقوق مسوولیت سازگاری ندارد؛ چه اینکه جبران این ضرر را عرف به سادگی می‌پذیرد و رابطه سببیت نیز به نحو متعارف و معقول بین ضرر وارده و فعل زیانبار برقرار می‌شود. عدم جبران این گونه زیان‌ها علاوه بر آثار زیانبار اجتماعی، بی‌عدالتی را نیز در پی دارد. حقوق ناگزیر باید برای جبران این گونه خسارات که اثر طبیعی و منطقی فعل زیانبار هستند، چاره‌ای بیاندیشد.

در نظام حقوقی کامن‌لا ضررها به «ضررهای اصلی»^۱ و «ضررهای تبعی»^۲ (فرعی^۳ یا متعاقب^۴) تقسیم می‌شوند. خسارات اصلی مستقیماً و بدون واسطه ناشی از نقض عهد طرف قرارداد هستند. در حالیکه خسارات تبعی خساراتی هستند که به‌طور طبیعی ایجاد شده اما با واسطه ناشی از نقض عهد هستند. در مسئولیت غیر قراردادی نیز وضع به همین منوال است. بنابراین در کامن‌لا ضررهای تبعی از مصادیق ضررهای با واسطه و غیرمستقیم به شمار می‌روند.

به‌طور کلی در کامن‌لا، ضرر غیرمستقیم معمولاً در ذیل مبحث «دوری زبان»^۴ مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مستقیم بودن ضرر به همراه قابل پیش‌بینی بودن، ضوابطی هستند که از گذشته برای شناسایی «ضررهای دور»^۵ از ضررهای نزدیک به‌کار گرفته شده‌اند. در نظام حقوقی انگلیس با دو نوع خسارت غیرمستقیم مواجه هستیم. یک دسته از خسارات غیرمستقیم در ردیف خسارات قابل جبران هستند که به خسارت‌های خاص یا تبعی معروفند. دسته‌ی دیگر که قابلیت جبران ندارند، خسارات دور یا بعید نامیده می‌شوند (کولتارد و کیفلی^۶، ۲۰۱۷). با اینکه در رویه قضایی انگلیس به مرور پذیرفته شده که نوع ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد، «دور از ذهن و مهجور نبودن»^۷ همواره به‌عنوان یکی از قواعد اصلی ناظر به احکام خسارت جبرانی در کل سیستم‌های قضائی تابع کامن‌لا، اعمال و پذیرفته شده است. واقعیت این است که قابل پیش‌بینی بودن معیاری برای شناسایی ضررهای غیرمستقیم قابل جبران است. بنابراین ضررهای دور یا غیرمستقیم زبان‌های استثنایی و نامتعرفی هستند که چنانچه به‌طور عادی قابل پیش‌بینی نباشند، قابلیت جبران ندارند (ساف^۸، ۲۰۰۰: ۱۱۸).

۱. Essential damages

ضررهای فرعی خساراتی هستند که متعهدله برای کم کردن خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد توسط خواننده متحمل آن شده است. خسارات تبعی و فرعی تفاوت چندانی با هم ندارند و به‌طور کلی در مقابل خسارات اصلی به کار می‌روند. (رنجبر، ۶۶)

۳. Subsequent

۴. Remoteness of Damage

۵. Remote Damages

۶. Coulthard W. & Cifelli R.

۷. Far from mind and falsehood

۸. Suff

در انگلستان از سال ۱۹۸۴ مقررات خاصی راجع به کنترل بیماری‌های مسری و واگیردار وضع شده است. این مقررات به لزوم رعایت بهداشت عمومی و تکلیف افراد به رعایت آن و ضرورت آگاه کردن دیگران از وجود بیماری تاکید دارد. ماده ۷ قانون بهداشت عمومی انگلیس^۱ افراد مبتلا به بیماری‌های مسری را مکلف کرده که بیماری خود را به اطلاع دیگران برسانند تا دیگران از خطرات ناشی از حضور فرد مبتلا در مکان‌های عمومی مطلع شده و اقدامات پیش‌گیرانه را انجام دهند. ترک این وظیفه می‌تواند مسئولیت مدنی برای آنها در پی داشته باشد. به‌عنوان مثال چنانچه افراد آلوده با استفاده از وسایل نقلیه عمومی موجبات آلوده شدن دیگران را فراهم آورند مکلف به جبران زیان‌های وارده خواهند بود. کارمندان نیز موظف به رعایت احتیاط در هنگام بیماری هستند و باید از حضور در محل کار خود امتناع کنند. همچنین مراقبت کنندگان از کودکان باید دقت کافی را به عمل آورند تا افراد مبتلا به محل آموزش یا حضور کودکان وارد نشوند (مک لین^۲، ۲۰۰۱: ۲۳۲-۲۳۳).

دولت بریتانیا در سال ۲۰۲۰ در واکنش به همه‌گیری ویروس کرونا قانونی را تحت عنوان «قانون کرونا ویروس»^۳ وضع کرد. با وجود اینکه قانون یاد شده یک برنامه معقول، متناسب و مبتنی بر آخرین شواهد علمی برای مقابله با کرونا ارائه می‌دهد، اما در خصوص جبران خسارات ناشی از انتقال ویروس از طریق افراد مبتلا چندان کامل به‌نظر نمی‌رسد.^۴ در قانون یاد شده اشاره‌ای به جبران خسارات تبعی نشده است. با وجود ضوابط مندرج در این قانون، اثبات مسئولیت مدنی ناشی از انتقال ویروس کرونا مقوله‌ای دشوار است و هنوز هم ضوابط عرفی نقش مؤثری در جبران خسارت دارند. بنابراین باید منتظر بود تا دادگاه‌ها در تقابل با چنین موضوعاتی به نحو روشن اظهار نظر نموده و رویه واحدی اتخاذ کنند.

به‌طور کلی در حقوق کامن‌لا ضرورت مستقیم بودن ضرر مختص ضررهایی است که عمدی نباشند. در مورد زیان‌های عمدی، فاعل زیان مسئول تمامی نتایج عمل زیانبار خویش اعم از

۱. Public Health (Control of Disease)

۲. Maclean

۳. Coronavirus Act ۲۰۲۰

۴. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۲۰۲۰/v/part/۱/enacted>

مستقیم و غیرمستقیم است (هانور^۱، ۱۹۹۵: ۱۰۲). بر این مبنا می‌توان گفت کسانی که عمدا باعث شیوع ویروس شوند باید علاوه بر زیان‌های مستقیم هرگونه زیان تبعی ناشی از عملکرد خود را جبران کنند. در موردی که فرد مبتلا عمد در انتقال بیماری ندارد، نقض وظیفه مراقبت^۲ اهمیت ویژه دارد (سیمانا، ۲۰۲۰). زیرا جایی که ضرر ناشی از نقض وظیفه‌ی مراقبت خوانده است، زیان‌زننده مسئول جبران ضررهای غیرمستقیم است و در این گونه موارد قابلیت پیش‌بینی زیان نیز تأثیری ندارد. اما اگر خسارات دور (بعید) ناشی از نقض وظیفه خوانده نباشند، تنها در صورتی قابل جبرانند که قابل پیش‌بینی بوده باشند (الیات و کوئین^۳، ۲۰۰۹: ۱۰۹). علاوه بر این، خسارت ناشی از عملکرد خوانده باید رابطه سببیت منطقی^۴ با زیان وارده داشته باشد. در غیر این صورت ضرر وارده بیش از اندازه غیرمستقیم خواهد بود (برمینگهام^۵، ۱۳۸۸: ۹۵) پس بی‌توجهی و بی احتیاطی خواهان^۵ و عوامل محیطی و شرایط جسمی او را نیز نباید فراموش کرد. در انگلستان چنانچه عامل زیان منحصر به فرد باشد برای احراز مسئولیت یا عدم مسئولیت خوانده از معیار «اگر نبود» استفاده می‌شود (هارپوود^۶، ۲۰۰۹: ۱۶۲؛ ناستن^۷، ۲۰۰۹: ۱۵۸). این معیار متضمن این معنی است که: «ضررهای وارده به انتقال گیرنده ویروس محقق نمی‌شدند مگر با دخالت فرد مبتلا». اگر با به‌کاربردن این معیار، انتقال‌دهنده ویروس یگانه عامل ایجاد ضرر تشخیص داده شود او مسئول جبران خسارت ناشی از عدم رعایت احتیاط متعارف و معقول خود خواهد بود (استفنسون، ۲۰۰۰: ۱۳۷).

۳- بررسی فقهی معاذیر اجرای قرارداد و تطبیق با کرونا

۳-۱ مفهوم و مبنای تعذر و تعسر ناشی از کرونا در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

۱. Honore

۲. Duty of Care

۳. Elliot and Quinn

۴. Logical Causal Connection

۵. The plaintiff's recklessness

۶. Harpwood

۷. Knusten

در فقه امامیه، از دو موضوع تعذر اجرای عقد و تعسر در ایفای آن که هم معنی واژگان حقوقی فورس ماژور^۱ (قوه قاهره) و هارد شیب^۲ (مشقت) هستند، بحث‌های زیادی میان فقها وجود دارد؛ اما در خصوص بحث تعسر و سختی اجرای قرارداد، با مباحث کمتری مواجه هستیم و عمده فقیهان با استناد به قواعد فقهی عام در این زمینه اظهاراتی داشته‌اند. برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که با توجه به ملاک قاعده "بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه" در صورت عدم امکان ایفای تعهدات قراردادی به صورت دائم، حکم به انفساخ عقد داده می‌شود و در موارد تعذر موقت حکم به فسخ و درج اختیار فسخ برای طرفی می‌شود که متضرر واقع شده است (قنواتی، ۱۳۹۹: ۲۸). البته انتقادی بر این نظر وارد است و آن هم اینکه دلیل انحصار و حکم به یکی از دو شکل مذکور چیست و چرا نباید به قاضی اختیاری داد که بتواند با تعدیل تعهدات قراردادی تا جای ممکن بر اصل لزوم عقود صحه گذارد و حتی الامکان در حفظ عقود بکوشد. کما اینکه ارائه چنین نظریاتی با قواعدی چون "رعایت انصاف"، "حسن نیت در عقود"، "روش عاقلان جامعه" و ... نیز هماهنگ است. البته در این راه با چالش‌های متعددی مواجه هستیم؛ مثل اینکه تعدیل قرارداد پس از کالبد شکافی آن متشکل از دو بخش است: نخست نفی حکم ضرری پیشین و دوم اثبات حکمی جدید و تعدیل شده؛ قسمت اخیر علی‌الاصول از قاعده لاضرر قابل استنباط نیست و در مقام توجیه آن می‌توان به مواردی اشاره کرد که حکم به فسخ قرارداد به ضرر طرف دیگر باشد و قاعده لاضرر در خصوص وی نیز جاری شود و حکم تعدیل قرارداد در چنین حالتی عادلانه به نظر می‌رسد.

اگر قرارداد یک بیماری همه‌گیر را به‌عنوان یک رویداد فوری و تعجیلی پوشش ندهد، کوید-۱۹ می‌تواند به‌عنوان یک رویداد تعجیلی تعبیر شود. از نظر حوزه کاربرد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حتی اگر کوید-۱۹ به‌عنوان یک بند قوه قاهره رد شود، توصیه مفسران برای تفسیر «مانع» با استناد به رویه بین‌المللی باید منجر به پذیرش کوید-۱۹ به‌عنوان یک مانع طبق ماده ۷۹ آن شود. مقررات دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی که یکی دیگر از ابزارهای حل اختلافات مورد استفاده در تجارت بین‌المللی است، یک اپیدمی را به‌عنوان یک رویداد تعجیلی فرضی پوشش می‌دهد و مورد ذکر شده در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، همه‌گیری را به‌عنوان یک رویداد

۱. Force Majeure

۲. Hardship

قوه قاهره برجسته می‌کند (چردنی چنکو^۱، ۲۰۲۲: ۲۱۱). در این مورد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا همچنين به کویید-۱۹ به‌عنوان یک قوه قاهره برخورد می‌کند. صرف وجود همه‌گیری کویید-۱۹ به تنهایی یک رویداد قوه قاهره را تشکیل نمی‌دهد، اما اثرات کویید-۱۹ می‌تواند منجر به ادعای عذر قوه قاهره شود. اقدامات اعمال شده توسط دولت‌ها برای مبارزه با کویید-۱۹ را می‌توان به‌عنوان یک رویداد قوه قاهره عنوان کرد. مداخلات دولت به‌عنوان موانع ایجاد قوه قاهره پذیرفته شده است. بنابراین، یک قرنطینه عمومی در یک کشور، بسته شدن مرزها و محدود کردن صادرات یا واردات کالاهای خاص باید به‌عنوان موانعی که در طول کویید-۱۹ اتفاق می‌افتد پذیرفته شود. در این رابطه اندرویت^۲، اذعان می‌کند که اقدامات اجرا شده توسط دولت‌ها منجر به اجرای قوه قاهره می‌شود و شرایط بهداشتی کارفرمایان و کارمندان خطر قابل توجهی را برای اجرای قراردادهای ایجاد می‌کند؛ اما اینکه آیا این اقدامات منجر به اعمال قوه قاهره می‌شود به عوامل دیگری مانند تاریخ تحویل، نوع کالا، منشاء طرفین و سایر موارد مرتبط بستگی دارد. محدودیت‌ها و اقدامات اعمال شده به‌دلیل ویروس باید بر تعهدات قراردادی تأثیر بگذارد؛ به عبارت دیگر، اگر کویید-۱۹ بر واردات و صادرات کالا یا تاخیر در تحویل کالا تحت یک قرارداد تجاری تأثیری نداشته باشد، نمی‌توان ادعا کرد که کویید-۱۹ خود به‌عنوان یک رویداد قوه قاهره پذیرفته نمی‌شود (چکاف^۳، ۲۰۲۰: ۶۷).

در خصوص حوادثی که ایفای قرارداد را غیر ممکن می‌سازند، وجود قابلیت پیش‌بینی حوادث باعث غرری شدن معاملات می‌شوند و با این وصف بطلان تعهدات را به‌دنبال خواهد داشت (دارایی، ۱۳۹۴: ۱۲۲)؛ البته احتمال وقوع حادثه و پیش‌بینی شرایط، باید از لحاظ عرفی قابل ملاحظه باشد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۸۵). اما در حالتی که حادثه و شرایط قابل پیش‌بینی، زمینه‌ساز سخت شدن ایفای تعهدات باشد و نه غیر ممکن شدن آن، ممکن است تمام یا بخشی از تعهدات تعلیق یا تعدیل بشوند. نکته دیگر نیز مربوط به تقصیر متعهد است که در این حالت استناد متعهد به تعذر یا تعسر ایفای قرارداد، مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ چرا که مطابق نظر فقیهان بزرگ (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۷۵) وضعیت مذکور بر اساس قاعده اقدام سنجیده می‌شود و از این رو

۱. Cherednychenko

۲. unidroit

۳. Checkoff

مسئولیت جبران خسارات به وجود آمده بر عهده متعهد قرار می‌گیرد که برخی از فقها آن را جزء ضمان معاوضی تلقی می‌کنند و برخی قائل به ضمان قهری بودن آن هستند (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۷۶). تعذر دائمی در حقوق ایران، موجب انحلال عقد خارج از اراده اشخاص می‌شود. در عین حال به نظر می‌رسد در خصوص مشقت انجام عقد، با احکام متفاوتی مواجه باشیم؛ انجام یا عدم انجام تعهدات قراردادی منوط به اراده متعهد است کما اینکه در ماده واحده قانون سقط درمانی^۱ مصوب ۱۳۸۴ نیز چنین اختیاری برای شخص در نظر گرفته می‌شود یا در برخی از آراء فقیهان بزرگ نیز با چنین احکامی مواجه می‌شویم (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۵۹-۲۶۴). در زمینه تعدیل قضایی قراردادهای اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد؛ به‌طور مثال، عده ای از بزرگان، امکان تعدیل قرارداد توسط مقام قضایی را پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۹). در مقابل نیز بسیاری از نویسندگان استدلال می‌کنند از آن جایی که عقود، ناشی از تلاقی اراده طرفین است و اراده شخص ثالثی تحت هر عنوان ولو دادرس، نمی‌تواند و نباید منشاء اثر قرار بگیرد، جایگاهی برای تعدیل قضایی در نظر نمی‌گیرند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۰). اما با بررسی نقاط ضعف و قوت هر نظر، در نهایت می‌توان گفت با عنایت به وجود قواعد فقهی نظیر لا ضرر و نفي عسر و حرج، بتوان گفت که متعهد حق فسخ خواهد داشت ولی از جایی که ممکن است درج خیار فسخ برای وی، اقدامی به ضرر متعهدله باشد، به نظر می‌رسد بهترین راه‌حل و میانه‌ترین آن، تعدیل قرارداد توسط مقام قضایی است.

۱-۲ ارتباط کرونا با قوه قاهره و سخت شدن اجرای قرارداد (مشقت) در رویه قضایی

در تطبیق شرایط حاصل از کووید ۱۹ و مفهوم قوه قاهره، بسیاری از کشورها کرونا و ویروس را از مصادیق قطعی قوه قاهره دانسته‌اند و در کشورهای متعددی نظیر فرانسه و آلمان شاهد مداخله مستقیم قوه قانونگذاری هستیم. اما در ایران تاکنون شاهد مداخله مستقیم قانونگذار نبوده‌ایم و ناگزیر از آن هستیم که با توجه به مبانی موجود و اهتمام حداکثری در حفظ تعهدات قراردادی، نسبت به تعدیل قراردادهای و جلوگیری از ورود ضرر ناروا به طرفین اقدام کنیم. اثبات این نهاد در نظام حقوقی ایران در گرو احراز سه خصیصه اصلی^۲ است که در بخش‌های پیشین به تفصیل مورد

۱. سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و ... با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

۲. دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۰۳۶۰۱۴۹۲ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در خصوص خارجی بودن-دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۰۱۸۸ شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر تهران در خصوص غیرقابل اجتناب بودن-دادنامه شماره

بررسی قرار گرفت. برای انطباق شرایط حاصله از کرونا با نهاد قوه قاهره، باید هر بند مورد بررسی جداگانه قرار بگیرد. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۶/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه به نحو اطلاق نمی‌توان کرونا را قوه قاهره دانست.

در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۴/۹ کمیسیون ماهانه قضایی دادگستری استان تهران، کمیسیون در پاسخ به سوالی که در کووید ۱۹ را به‌عنوان قوه قاهره تلقی کرده است، مقرر داشته است: ... در مناطقی که ستاد مبارزه با بحران کرونا، محدودیت‌هایی در حد ممنوع بودن انجام کار و یا کارکردن با ریسک بالا اعلام می‌کند، به نظر هر سه شرط تحقق قوه قاهره از جمله خارجی بودن، غیرقابل پیش‌بینی بودن و غیرقابل دفع بودن را با توجه به ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی دارا می‌باشد... و یا در رویه قضایی شاهد آن هستیم که کرونا مصداقی از قوه قاهره تلقی شده است و رای دادگاهی زیادی در این خصوص صادر شده است (دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۱۴۳ ناظر بر پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۸۲۱ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر تهران)

اما تفاوت مهمی که کووید ۱۹ و شرایط حاصل از شیوع گسترده‌ی آن با بیماری‌های قبلی دارد آن است که نمی‌توان به نحو اطلاق و به‌صورت کلی این بیماری را قوه قاهره بدانیم. مسلماً صرف اعلام وجود کووید ۱۹ در کشور یا اعلام جهان شمولی آن توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO)، کافی برای حکم به معافیت متعهدان نیست و برای این مهم برخلاف نظر برخی حقوقدانان (قنوتی، ۱۳۹۹: ۱۴) نیازمند بررسی موردی هستیم. یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که باید بررسی شود، تعدد یا وحدت مطلوب قرارداد و اهداف آن است؛ به این معنی که باید بدانیم انجام تعهد مذکور در عقد باید در زمان مقتضی باشد یا اینکه تاخیر در انجام آن هم تفاوت زیادی برای طرفین ایجاد نمی‌نماید و همچنان مورد توافق آنها قرار دارد؛ البته عامل زمان اکثر موارد تفکیک میان عقود با وحدت مطلوب و تعدد مطلوب را توجیه می‌نماید ولی تنها عامل انحصاری تفکیک حاصله، در نظر داشتن عامل زمان نیست و عوامل دیگری نیز در این راستا قابل تکیه هستند. حکم هر قرارداد متأثر از شرایط ناشی از کووید ۱۹ متفاوت است؛ در صورت وحدت مطلوب، رفع تعهد متأثر از شیوع کرونا و احراز قوه قاهره به کل عقد تسری می‌یابد و عقد را از ریشه مورد آسیب قرار می‌دهد و دیگر جایی برای جبران خسارت باقی نخواهد گذاشت و در مواقعی که تعدد

مطلوب در عقود منعقدۀ قابل برداشت باشد، قوه قاهره تنها بر بخشی از عقد تاثیر دارد و متعهد صرفاً همان تعهد را انجام نخواهد داد و مسئولیتی در قبال عدم ایفای آن بخش از تعهدات نخواهد داشت، لکن نسبت به سایر تعهدات عقد همچنان ملزم به اجرای آنهاست و برای طرف مقابل یعنی متعهد له قائل به حق فسخ خواهیم شد.

در نظام حقوقی ایران تنها نهاد قوه قاهره به رسمیت شناخته شده است و نهادهای مشابه چون مشقت، مورد تصریح قانون گذار قرار نگرفته است. از سوی دیگر قوه قاهره زمانی کاربرد دارد که ایفای تعهدات ناممکن شده باشد. مسلماً در شرایطی که ایفای تعهدات سخت شده، نمی‌توان به قوه قاهره توسل جست. علی‌رغم سکوت قانون گذار به نظر می‌رسد بتوان در پرتو اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آ.د.م مراجعه به قواعد فقهی نظیر قواعد "نفی عسر و حرج" و "لاضرر" رجوع نمود و در حالتی که شرایط فوق احراز شود، بتوان از الزام متعهد به ایفای تعهداتی که شرایط انجام آنها بسیار سخت تر و متفاوت تر از گذشته شده است، عقب نشینی نمود و بسته به نوع تعهد نسبت به تعدیل یا تعلیق عقد حکم داد.

امکان دیگری که برای محاکم ایران در خصوص رسیدگی به پرونده‌هایی که با وضعیت مشقت مواجه هستند، رجوع به "اصول حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی"^۱ است. به موجب قانون الحاق ایران به موسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی مصوب ۱۳۴۳، اصول مذکور در حکم قوانین داخلی بوده و از همین رو، محاکم ایران می‌توانند خصیصه‌های سخت شدن ایفای تعهدات را از قانون یاد شده شناسایی و اجرا نمایند. ماده ۲-۲-۶ قانون یاد شده در خصوص شرایط تحقق مشقت، ۴ شرط مقرر داشته است: (۱) شرایط پیش آمده باید بعد از انعقاد قرارداد به وجود آمده باشند یا در صورت وجود آن پیش از انعقاد، طرف مقابل نسبت به آن جاهل باشد. (۲) تحقق شرایط سخت شدن ایفای تعهدات، به‌طور عرفی قابل پیش‌بینی نباشد. (۳) شرایط به‌صورت قهری اتفاق بیفتند و خارج از اراده طرفین قرارداد باشد. (۴) هیچگونه شرط یا توافقی مبنی بر مسئولیت طرف مقابل در شرایط مختلف، در قرارداد ذکر نشده باشد. تعیین زمان مشخصی برای پیش‌بینی کوید-۱۹ ممکن نیست؛ زیرا هر اختلاف ویژگی‌های خاصی دارد. همچنین، تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا یک طرف می‌توانسته است از تأثیرات کوید-۱۹ اجتناب کند، مشکل‌ساز است.

نتیجه

^۱UPICC = UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts

کیفیت مدیریت و نحوه مدیریت راهبردی دفاعی مسئولیت مدنی دولت در قبال ویروس کرونا در حقوق ایران به خوبی روشن نیست. عدم توجه نسبت به شیوه‌نامه‌ها و توصیه‌های بهداشتی در قبال ویروس کرونا موجب ایجاد یک محیط خطرناک برای دیگران شده که هم موجب ورود خسارات مستقیم و هم غیر مستقیم به اشخاص می‌شود. اطلاع‌رسانی سریع و به موقع دولت با توجه به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی توأم با اقدامات درمانی به موقع در کاهش انتشار و درمان ویروس موثر است. شخصی که به نحو عالما عامدا موجب انتقال ویروس کرونا شود، در مسئولیت وی شکی وجود ندارد. در خصوص سایر اشخاص که دارای تعمد در رفتار خود نیستند، باید گفت که این عده به دلیل ایجاد محیط خطرناک که معلول عدم توجه به شیوه‌نامه‌ها و توصیه‌های بهداشتی است که منطبق با نظریه خطر در نظام حقوق مسئولیت ایران است، دارای مسئولیت در قبال اقدامات خود هستند.

نظریه خطر توجیه مناسب‌تری برای جبران زیان‌های ناشی از شیوع کروناست. چه اینکه علاوه بر سهولت جبران خسارت، اثر بازدارندگی داشته و از بی‌توجهی و سهل‌انگاری مبتلایان نیز خواهد کاست. در حقوق ایران گرچه به سهولت نمی‌توان خسارات تبعی ناشی از انتشار ویروس کرونا را به کسانی که به‌طور غیر عمد منجر به گسترش این ویروس شده‌اند تحمیل کرد، لیکن قانون مسئولیت مدنی، اصول و قواعد فقهی و حقوقی نیز از ظرفیت لازم برای پوشش دادن این خسارات برخوردار است؛ زیرا لاقلاً محیط خطرناکی را ایجاد نموده‌اند که حاصل بی‌توجهی آنها به هشدارها و پروتکل‌های بهداشتی است.

در مقاله حاضر با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس مشخص شد که در انگلیس هم در صورتی که کلیه شرایط مسئولیت مدنی برقرار باشد و از همه مهم‌تر اینکه ضرر قابلیت پیش‌بینی را داشته باشد، امکان جبران ضرر ناشی از انتقال ویروس کرونا به دلیل سهل‌انگاری وجود دارد. معیار «قابلیت پیش‌بینی» این حسن و برتری را دارد که اگر زیان‌هایی به دلیل سهل‌انگاری و ترک فعل وظایف قانونی و عرفی دولت و حتی اشخاص خصوصی باشد، قابلیت جبران را دارد. مسئولیت مدنی دولت با قواعد فعلی نیز قابل توجیه است؛ تقصیر دولت در جلوگیری از شیوع کرونا راه را برای تحمیل مسئولیت به این نهاد هموار کرده و از دیگر سو، قواعد فقهی چون "لاضرر" تصور مسئولیت دولت را ممکن کرده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابن إدريس حلی، فخرالدین ابو عبدالله، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه، بی تا.
- السان، مصطفی (۱۳۹۹)، مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماریهای واگیردار (بررسی موردی: کووید-۱۹)، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ویژه‌نامه حقوق و کرونا، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹.
- انصاری، علی و مبین، حجت (۱۳۹۰)، نظریه ی قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۵، شماره ۱.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۴)، نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران، **مجله پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۱۵ و ۱۶. پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- بادینی، حسن (۱۳۸۳)، **هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دانشگاه تهران، شماره ۶۶، ۱۳۸۳.
- بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹)، **القواعد الفقهیه**، چاپ اول، قم، نشر الهادی.
- بیگزاده، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۹)، معضل کرونا در آیینه حقوق بین‌الملل معاصر، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ویژه‌نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳.
- تنک، آندره. (۱۳۹۸)، **مبانی و اصول مسوولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی**، ترجمه سیدحسن صفایی و سید احسان حسینی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جواهری محمدی، حسین (۱۴۰۰)، امکان سنجی تطبیق قوه قاهره بر شرایط حاصل از شیوع کرونا با تاکید بر رویه قضایی، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- حسینی، سیدهادی (۱۳۹۴)، مسئولیت تبعی دولت در جبران ضررهای بلاجبران وارده به شهروندان، **مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین المللی**، شماره ۲۸.
- داراب پور، مهرباب، و مریم داراب پور (۱۳۹۹)، ضمان ناشی از ویروس کرونا تاثیر حدود آن بر قراردادهای تجاری داخلی و بین المللی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ویژه نامه حقوق و کرونا، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۳.
- دارایی، محمدهادی (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی معاذیر اجرای قرارداد در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۱.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، **مسالك الأنفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، قم، موسسه معارف الاسلامیه، بی تا.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، **داوری تجاری بین‌المللی**، انتشارات سمت، چاپ اول.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، **مسئولیت مدنی تطبیقی**، تهران، شهردانش.

- عباسی، محمود؛ رضایی، راحله؛ دهقانی، غزاله (۱۳۹۳)، مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه حقوق پزشکی*، شماره ۳۰.
- عباسی، محمود؛ رضایی، راحله؛ دهقانی، غزاله (۱۳۹۴)، الزامات حقوقی اسناد بین المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش‌های فراروی آن، *مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*، دوره ۳۳، شماره ۲.
- قنواتی، جلیل (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی تاثیر کرونا ویروس (کووید-۱۹) بر تعهدات، *مجله حقوق اسلامی*، سال هفدهم، شماره ۶۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، *الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، تهران، دانشگاه تهران.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۹)، مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس، *نشریه حقوق اسلامی*، سال هفدهم، شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۹.
- مظفری، مصطفی؛ میرزایی، مقدم، مرتضی (۱۳۹۹)، بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید-۱۹، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۳، ویژه نامه حقوق و کرونا.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱)، *قواعد فقهیه*، چاپ سوم، تهران، موسسه عروج.
- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۹۰)، *تحریرالوسیله*، چاپ دوم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۱۸)، *منیه الطالب*، تقریرات شیخ موسی خوانساری، چ اول، قم، موسسه نشر الاسلامی.
- نیازآبادی، مهدی و انصاری، نرگس (۱۳۹۹)، تحلیل وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا ذیل معاذیر عدم اجرای تعهدات قراردادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ویژه‌نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، تهران، میزان، ج ۱.

ب. منابع انگلیسی

- Foss, Katherine Ann, *The Heroic Doctor and the Foolish Patient*, UMI, ۲۰۰۸.
- Haberl, C, Smith, F (۲۰۱۴). **Food Security and Agra-Foreign Direct Investment in Weak States: Finding the Governance Gap to Avoid** ,Land Grab. *The Modern Law Review*.
- Honore, Tony (۱۹۹۵). *The morality of tort law: questions and answers*, in philosophical foundation of tort law, by David G. Owen. Clarendon Oxford University Press.
- Horpwood, Vivienne, *Principles of Tort Law* (۲۰۰۰). ۴ edition, Cavendish Publishing, New York.
- Jungian, Nartnirun (۲۰۱۸). **The Full Protection and Security standard in International Investment Law: What and Who is Investment Fully Protected and secured from?** *American University business law review*, Vol. ۷:۱.
- Maclean, Alasdair, (۲۰۰۱). *Brief on Medical Law*, United Kingdom, Cavendish Publishing Limited.

- Mazeaud-Henri, Léon et Jean, *Leçons de Droit Civil*, (۱۹۹۱). **Obligation**, ۱^{er} édition Par François Chabas, Paris.
- Mills, Alex (۲۰۱۹). **Antinomies of Public and Private at the Foundations of International**
- Oppenheim, L (۲۰۱۸). **International Law**. ۱st edition. London, New York, Toronto: Longmans, Green, and Co. Root, Elisha (۲۰۱۶). **The basis of Protection to Citizens Residing Abroad**, Vol. ۴۴ AJIL.
- Sala use, Ewald (۲۰۱۹). **The Three Laws of International Investment. National, Contractual and International Frameworks for Foreign Capital**, ۱st edition, Oxford University Press.
- Stephenson Graham (۲۰۰۰). **Sourcebook on Torts**, ۲th ed., London, Gavendish Publishing Limited.
- Suff, Marnah, (۲۰۰۰). **Essential Contract Law** , Second edition, Cavendish Publishing, London , United Kingdom.
- Thomas, J (۲۰۲۰). Reflections on Article ۱۱۰۵ of NAFTA: History, State Practice and the Influence of Commentators, ICSID Review, *Foreign Investment Law Journal*, ۱۷:۱.
- Tweeddale A. (۲۰۱۹). **All Damage Is In A Sense Consequential – So What In Law Are Consequential Losses?** Last visited on ۱۷October ۲۰۱۹, <https://corbett.co.uk/all-damage-is-in-a-sense-consequential-so-what-in-law-are-consequential-losses/>, ۲۰۱۷.